

## فصلنامه علمی مطالعات ادبیات شیعی

سال اول، شماره چهارم، بهار ۱۴۰۲

### پژوهشی در نوع ادبی منظمه فارغ گیلانی

اکرم کرمی<sup>۱</sup>، زهرا پارساپور<sup>۲</sup>

#### چکیده

نوآوری‌های شعر شیعی در گستره ادبیات فارسی از حیث محتوا و انواع ادبی در خور توجه است؛ تا جایی که در تشخیص گونه ادبی یک اثر در این حوزه، باید اشراف نسبی به تاریخ ادبیات شعر شیعی داشت. پژوهشگران، منظمه فارغ گیلانی را در زمرة ادبیات حمامی عصر صفوی می‌دانند. در این مقاله کوشش شد تا با روش توصیفی تحلیلی ضمن تبیین خطای برخی از پژوهشگران در تشخیص نوع ادبی منظمه‌ای از فارغ گیلانی، به این پرسش‌ها پاسخ دهیم: برای تشخیص نوع ادبی یک اثر چه ملاحظاتی را باید در نظر داشت؟ مبنی بر این ملاحظات، منظمه فارغ گیلانی ذیل کدام یک از انواع ادبی قرار می‌گیرد؟ براساس نتایج به دست آمده، جهت تشخیص نوع ادبی یک اثر باید به این موارد توجه داشت: بررسی هم‌زمان ساختار و محتوای اثر، تمایز گونه ادبی و وجه ادبی یک اثر، توجه به تحولات و دگرگشی ژانرها و گونه‌های ادبی در طول زمان. با در نظر گرفتن این موارد، بعد از پژوهش و بررسی اثر فارغ گیلانی، مشخص گردید که این اثر در امتداد نوع ادبی «ولايت‌نامه» و البته با وجه حمامی است. از این‌رو، منظمه فارغ گیلانی را می‌توان ولايت‌نامه‌ای حمامی نامید که از نظر ساختار، محتوا و درون‌مایه با ولايت‌نامه‌های قبل از عصر صفوی شباهت دارد.

**واژه‌های کلیدی:** فارغ گیلانی، منظمه، نوع ادبی، ولايت‌نامه، حمامی.

۱. مدرس دانشگاه علامه طباطبائی - تهران akramekarami3845@gmail.com

۲. هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی z.parsapoor@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۹/۲۶ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۱۰

## ۱. مقدمه

شعر شیعی در طول تاریخ با فرازوفرودهایی هويت خود را حفظ کرده و توانسته با تنوع مضامین در قالب‌ها و ساختارهای ادبی شکل بگیرد. تحلیل شعر شیعی و طبقه‌بندی آن در قالب انواع ادبی، بر شناخت جریان شعر شیعی تأثیرگذار است و به دستیابی اطلاعات ارزشمند ادبی، تاریخی، دینی، جامعه‌شناسی، سیاسی، عرفانی و... منجر شده و پژوهشگران را در شناخت تفکر شیعی یاری رسانده است. تقسیم‌بندی شعر شیعی به گونه‌های ادبی اجازه می‌دهد تا ما با دیدی مقایسه‌ای جایگاه آن اثر را در مقایسه با متون هم‌نوع آن بسنیم؛ همچنین با بررسی سیر شکل‌گیری و تحول گونه‌ها، به علل و عوامل مؤثر فکری، اجتماعی و سیاسی در افول، دگردیسی یا شکل‌گیری نوع جدید حساس شویم. گونه‌های ادبی در ساختاری مشترک یا در محتوایی مشترک یا با ساختار و محتوایی مشترک و به جهت انجام مقاصدی شکل می‌گیرند، رشد می‌کنند و در بخشی از تاریخ افول می‌کنند یا نوعی به نوع دیگر تبدیل می‌شوند یا به مسیر خویش ادامه می‌دهند. هر اثر ادبی ذیل نوعی از انواع ادبی قرار می‌گیرد؛ اما قرارگرفتن در کدام بخش از مسیر حرکت نوع ادبی با توجه به تاریخ، شرایط سیاسی و اجتماعی و فرهنگی متفاوت است؟ نظریه پردازان بر سر ارتباط انواع ادبی با جامعه، اجماع کلی دارند و هرکسی با نظام کلامی خویش از این موضوع سخن گفته است. «چنانچه باختین، نظریه پرداز ادبی در مقاله‌ای نوشته است: نظریه ادبی واقعی درباره ژانرهای ادبی، شاید چیزی بیش از جامعه‌شناسی ژانر نباشد» (احمدی، ۱۳۷۰، ج ۱: ۱۱۲).

لازم‌هه تشخیص نوع ادبی یک اثر، شناخت هم‌زمان ساختار و محتوای آن است و اگر نسبت به یکی از این دو مقوله غفلت کنیم، بی‌شک به خطای خواهیم رفت. در بعضی از طبقه‌بندی‌هایی که در گذشته از انواع ادبی صورت گرفته، چنین خطایی چشم‌گیر است. برای مثال زمانی که ما غنایی یا حماسی بودن را دونوع ادبی می‌دانیم که وجه

ممیزه آن‌ها محتوای این آثار است، با طیف وسیعی از آثار ادبی مواجه می‌شویم که در قالب‌های گوناگون، ذیل این نوع ادبی قرار می‌گیرند. وسعت این طیف آنقدر زیاد است که ما را در رسیدن به هدف اصلی از طبقه‌بندی آثار ادبی ناکام می‌سازد. قاسمی پور در مقاله خود با استفاده از دیدگاه جان فرو<sup>1</sup> در باب اشکال حاکم بر سازماندهی متون گوناگون، تلاش می‌کند این مشکل را با تمایز میان «وجه» و «گونه» آثار ادبی برطرف سازد. فرو از پنج اصطلاح استفاده کرده است که در بطن آن‌ها وجه و گونه هم قرار دارد. در تعریف وجه و گونه چنین می‌گوید: وجه بحسب معنای وصفی آن عبارت است از کیفیت درون‌مايه‌ای یا طنین یا حالت یک گونه. گونه یا نوع عبارت است از سازماندهی ویژه‌تر و مشخص‌تر متون با توجه به ابعاد درون‌مايه‌ای، بلاغی و شکل‌شناختی (رک: قاسمی پور، ۱۳۸۹: ۷۲). براساس این تعریف، گونه‌ها عواملی ساختاری‌بخش هستند که باعث تولید معنا می‌شوند. این عوامل علاوه بر اینکه بر الزامات و الگوهای ساختاری دلالت دارند، به درون‌مايه‌ها و مفاهیم نیز مربوط می‌شوند. کارکرد «دانش گونه شناختی» هم شامل آگاهی از ویژگی‌های صوری اثر است و هم مربوط به درون‌مايه‌ها و مفاهیم اثر است و هم شامل چیستی و چگونگی مقاصدی است که گونه‌ها به انجام می‌رساند (ر.ک. قاسمی پور، ۱۳۹۱: ۳۲).

بالحظ آنچه درباره وجه و گونه بیان شد، بررسی و طبقه‌بندی ادبیات تشیع، تنوع و تکثر بیشتری را نسبت به طبقه‌بندی انواع ادبی گذشته نشان می‌دهد و درنتیجه می‌توان درباره ساختار و محتوای آن‌ها با دقت و ظرافت بیشتری اظهار نظر کرد.

## ۲. بیان مسئله و روش پژوهش

فارغ‌گیلانی چون افجنبگی، ابوالقاسم سبزواری، حمزه ورامینی و... که اطلاعی از زندگی نامه آن‌ها نیست، در زمرة مناقبیانی بودند که بی‌توجه به جایگاه یا رتبه

اجتماعی فقط به جهت محبت حضرت علی<sup>(ع)</sup> و اهلیت<sup>(ع)</sup> او در این راه گام برداشتند؛ از این‌رو، اطلاعات چندانی از آنان در دست نداریم.

«مناقبیان یک دسته از قصه‌گویان شیعی بودند که در کوی و بزن در مدح و منقبت پیامبر<sup>(ص)</sup> و خاندان نبوت شعر می‌خواندند و واقعه‌های جنگ‌ها و دلاوری‌های حضرت علی<sup>(ع)</sup> را در قالب شعر و داستان روایت می‌کردند. گروهی از مناقبیان خود شاعر بودند و اشعار خویش را برای مخاطبان می‌خواندند و گروهی دیگر، درویشان کوچه‌گردی بودند که شعر نمی‌دانستند؛ اما به پاس محبت حضرت علی<sup>(ع)</sup> و تبلیغ فرهنگ تشیع، اشعار شعرای شیعی یا مناقب خوانان را بازخوانی می‌کردند؛ بنابراین نامی از آنان در طبقات شاعران نیست» (کرمی و بیگدلی، ۱۳۹۸: ۲۲۳).

منظومه به جامانده از فارغ‌گیلانی، مجموعه‌ای از قهرمانی‌ها و معجزات و کرامات حضرت علی<sup>(ع)</sup> است که به ابعاد مختلف شخصیتی ایشان از جمله علم و آگاهی، شجاعت و قدرت و جنگاوری، قضاؤت و مدیریت، جایگاه قدسی و ماورایی و یاری‌رسانی به پیامبر<sup>(ص)</sup> در قالب روایت و داستان می‌پردازد. این داستان‌ها برخی ریشه‌تاریخی و روایی و برخی ریشه قرآنی دارند. برخی نیز مبنای تخیلی و افسانه‌ای به‌شکل کرامات و معجزات- دارند. در عین حال روایت‌های تاریخی نیز گاه با اسطوره، افسانه و تخیل پیوند خورده‌اند.

در مورد نوع ادبی منظومه فارغ‌گیلانی به اتفاق پژوهشگرانی که درباره آن سخن گفته‌اند، آن را در زمرة ادبیات حماسی بشمرده‌اند؛ البته نام و نشانی از این منظومه در کتاب حماسه‌سرایی در ایران از ذیبح الله صفا و کتاب در قلمرو ادبیات حماسی ایران از حسین رزمجو نیست. مشخص نیست چه کسی نخستین بار این اثر را اثری حماسی نامیده است؛ اما به قطع یقین، سید علی کاشفی خوانساری در کتاب حیدرنامه در سال ۱۳۸۱ موضوع منظومه فارغ‌گیلانی را غزووات امیرالمؤمنین<sup>(ع)</sup> بشمرده و آن را در زمرة

مهم‌ترین حماسه‌های علوی در قرن دهم دانسته است (کاشفی خوانساری، ۱۳۸۱: ۱۰). پیش از ایشان، احمد منزوی در فهرست نسخه‌های خطی فارسی، منظومه فارغ‌گیلانی را در ستایش حضرت علی<sup>(۴)</sup> و جنگ‌های وی معرفی می‌کند (منزوی، ۱۳۵۱، ج ۴: ۱۰۳). این معرفی از منظومه فارغ‌گیلانی، زمانی صورت گرفته که به نقل از بلندی، ۱۳۹۴: ۹). این معرفی از منظومه فارغ‌گیلانی، زمانی صورت گرفته که هنوز نسخه‌ای از این اثر تصحیح نشده است. زهرا بلندی در سال ۱۳۹۴ این منظومه را تصحیح کرده است. وی نیز در مقدمه رساله خویش، فارغ‌نامه را نوع ادبی حماسی می‌داند و «داستانی بودن، ویژگی‌های خارق العاده پهلوانان، اغراق در توصیف شخصیت‌های داستان و رجزخوانی در میدان نبرد» را از شاخصه‌های حماسی بودن این اثر ادبی برشموده است (بلندی، ۱۳۹۴). ابوالفضل مرادی رستا و همکاران در مقاله «نوآوری‌های سبکی فارغ‌گیلانی و ویژگی‌های شعری او در فارغ‌نامه» این منظومه را در زمرة ادبیات حماسی عصر صفوی می‌دانند که آمیخته‌ای از واقعیت و افسانه است و گاه جنبه داستانی و خیال‌پردازی شاعر بر واقعیت برتری دارد. همچنین انتخاب بحر خفیف با ویژگی موسیقایی خاص آن را به جای گزیدن بحر متقارب، نوعی نوآوری سبکی در خلق این اثر حماسی دینی می‌دانند (مرادی رستا و دیگران، ۱۴۰۱: ۲۴۲).

اما به‌واقع منظومه فارغ‌گیلانی در ذیل کدام یک از انواع ادبی قرار می‌گیرد؟ آیا هر اثری که درباره جنگ یا غزوات باشد، باید از آن به حماسه تعبیر کرد؟ آیا تمام بخش‌های این منظومه به غزوات حضرت علی<sup>(۴)</sup> اختصاص دارد؟

این پژوهش که با روش توصیفی تحلیلی انجام گرفته، برآن است تا ضمن معرفی اشعار فارغ‌گیلانی که به تازگی تصحیح شده است و با استفاده از اطلاعاتی که درباره این شاعر و گونه‌های شعر شیعی در عصر صفوی و پیش از آن وجود دارد، خطای محققان را در تشخیص نوع ادبی و نامگذاری اشعار اونشان دهد.

### ۳. پیشینه و اهمیت پژوهش

فارغ‌گیلانی از شاعران شیعی عصر صفوی است. اثر اوی در سال ۱۳۹۴ به همت زهرا بلندی، با عنوان مقدمه، تصحیح و تعلیق فارغ‌نامه تصحیح شده است. بلندی در مقدمه رساله خویش به معرفی شاعر، سبک شعری وی، معرفی نسخ خطی کتاب فارغ‌گیلانی و روش تصحیح اشاره کرده است. امیرحسین رضایی نیز در رساله کارشناسی ارشد خویش با عنوان بررسی مهم ترین حماسه‌های علوی پیش از قاجار در سال ۱۳۹۶، در بخشی به اجمالی به معرفی فارغ‌گیلانی و اثر او پرداخته است. از فحوای کلام رضایی چنین برمی‌آید که وی منظمهٔ فارغ‌گیلانی را حماسه نمی‌داند و اشاره دارد که نمی‌توان این اثر را ادامهٔ شاهنامهٔ فردوسی دانست؛ زیرا از نظر ایشان فارغ این منظمه را بیشتر بر اساس اقوال و حکایات شفاهی به نظم کشیده است و شاید هدفش تهیه محتوا برای مناقب خوانی باشد. همچنین ابوالفضل مرادی رستا و همکاران، مقاله‌ای با عنوان «نوآوری‌های سبکی فارغ‌گیلانی و ویژگی‌های شعری او در فارغ‌نامه» در نشریهٔ نظم و نثر فارسی (بهار ادب) در سال ۱۴۰۱، نوشتۀ اند که در آن علاوه بر معرفی این شاعر، به بررسی سبکی این اثر ادبی پرداخته‌اند. این مقاله بدون ارجاع به دو پژوهش قبلی، اطلاعاتی بیش از آن‌ها در اختیار خواننده قرار نمی‌دهد.

اهتمام پژوهشگران در سه اثر معرفی شده فوق، بیشتر بر معرفی این شاعر و اثر او به صورت کلی بوده است. تابه‌حال، منظمهٔ فارغ‌گیلانی به شکلی ویژه و از منظر گونه‌شناسی بررسی نشده است. این مقاله بر آن است تا ضمن ارائه تحلیل و توصیفی از ساختار و محتوای این اثر، به معرفی نوع ادبی آن بپردازد.

### ۴. فارغ‌گیلانی کیست؟

از فارغ‌گیلانی در تذکره‌های عصر صفوی اطلاع چندی در دست نیست. به این ترتیب، در شناخت دقیق شاعر که خود را «فارغ» معرفی می‌کند، متکی به اشارات

مختصری هستیم که شاعر از خود و روزگارش به دست می‌دهد؛ بنابراین اشعارش بهترین منبع ما درباره شاعر و تاریخ زندگی او، تخلص، زادگاه و پیشه‌وی است.

۱. شاعر، خود را بارها با تخلص «فارغ» خوانده و نام خویش را حسین بن حسن معرفی کرده است:

نام فارغ حسین ابن حسن

این دونامند اکرم و احسان

(فارغ‌گیلانی، ۱۳۹۱: ۸۰)

۲. شاعر خود را فرزند رودسر گیلان، یکی از مناطق شیعی نشین عصر صفوی می‌داند:

خاصه گیلان که هست مولد ما

معدن شیعیان بود به خدا

نیست در شهر دیگر مولود

بلکه در رودسر شدم موجود

که همه شیعه‌اند از دل و جان

مقتداشان علی به هر دو جهان

(همان: ۲۴۳)

۳. در زمان حکومت شاه عباس کبیر می‌زیسته و اثرش را به این شاه صفوی هدیه کرده است. بعد از حمد و ثنای خدای متعال و پیامبر گرامی، شعری را در ۶۵ بیت با عنوان «در تعریف پادشاه زمان‌السلطان شاه عباس بهادرخان» در مدح وی سروده است. از محتوای این اشعار مشخص می‌شود که وی علاقه‌ای به مدح شاهان نداشته و به جهت توصیه دوستان و بهشیوه اهل قلم برای بقای اثر خویش، دست به

سرايش اين چنین اشعارى زده است:

سرمدح شهان نبود مرا  
كه طمع زين جهان نبود مرا  
بود از فيض فضل لم يزل  
متصل مشتعل به مدح على  
نام شاه زمانه لازم بود  
گاھل تصنیف این چنین فرمود

(همان: ۸۳)

فارغ گیلانی، تاریخ اهدای کتاب خویش را به شاه عباس صفوی در سال ۱۰۰۰ ه.ق. ذکر می‌کند که مقارن با فتح گیلان توسط اوست:

سال تاریخ این خجسته خطاب  
سنء الف از طریق حساب  
که در این سال شاه عالم گیر  
کرد گیلان به عدل خود تسخیر

(همان: ۸۷)

۴. او پیشۀ خود را مانند مناقبیان، مذاھی پیامبر<sup>(ص)</sup> و اهل بیت<sup>(ع)</sup> برمی‌شمرد و شاید یکی از علل مسافرت‌های پیاپی وی همین امر باشد:

شغل من ساخت بعد نعت نبی  
مدحت حضرت على ولی  
کار من غیر مرح حیدر نیست  
هیچ کاری ازین نکوتر نیست

منم و فکر مدحت مولا

فارغم از جهان و مافیها

بس که در کار ملح او شادم

دو جهان رفته است از یادم

بس بود مدح حیدرم پیشه

غیر از اینم مباد اندیشه

(همان: ۴۱۲)

## ۵. نوع ادبی فارغ‌نامه گیلانی

همان‌طور که پیش از این بیان شد، محققان نوع ادبی این اثر را «حمسه» دانسته‌اند. به نظر می‌رسد دو دلیل عمدۀ انتساب این ژانر به منظومه فارغ‌گیلانی، وجود داستان‌ها و روایات حماسی و نیز قالب این اثر باشد که «مثنوی» است؛ اما هر دو مشخصه را ماد در نوع ادبی «ولایت‌نامه» که در این عصر و قبل از آن رواج داشته است، شاهدیم. به نظر می‌رسد دلیل خطای محققان در تشخیص گونهٔ شعری منظومه فارغ‌گیلانی، عدم شناخت گونه‌های شعر شیعی به ویژه گونه‌های قبل از عصر صفوی بوده است. در ادامه این بحث دلایلی که ولایت‌نامه بودن اثر فارغ‌گیلانی را تأیید می‌کند، ذکر می‌شود:

### ۱-۵. محتواهی منظومه فارغ‌گیلانی

قبل از عصر صفوی یک نوع ادبی با عنوان «ولایت‌نامه» وجود داشته است. این نوع ادبی که به کرامات و معجزات حضرت علی<sup>(۴)</sup> می‌پرداخته، در زمرة ادبیات عامیانه است و مناقبیان آن را می‌خوانده‌اند. شاعران عنوان ولایت‌نامه را برای این نوع سروده‌ها در نظر گرفته و در اشعار خود قید می‌کردند. هدف از سرایش این نوع اشعار را بیان کرامات و

معجزات حضرت علی<sup>(۴)</sup> و جلب توده مردم نسبت به ایشان می‌دانستند. بخش اعظمی از اشعار فارغ‌گیلانی با ولایت‌نامه‌های قبل از عصر صفوی اشتراک ساختاری، معنایی و محتوایی دارند. ولایت‌نامه‌ها در قرن هشتم به سبب منازعات شیعیان و اهل تسنن به وجود آمدند. شاعری چون سلیمانی تونی در این نوع طبع‌آزمایی کرده است. ولایت‌نامه‌ها در اوایل قرن نهم در کنار عوامل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، مقدمات گرایش مردم را به تشیع و ایجاد جریانی خودجوش فراهم کردند و در ادامه در قرن دهم، به تثبیت عقاید شیعیان کمک نمودند. شاعران در ولایت‌نامه‌ها با تأکید بر کرامات و معجزات چهره‌های اصلی و شاخص تشیع و گاه با ایجاد تصورات افسانه‌ای و خیالی درباره این اشخاص، قصد داشتند مردم را به فرهنگ تشیع ترغیب و تشویق کنند. ازین‌رو، در ولایت‌نامه‌ها نیز داستان جنگ‌ها، یکی از درون‌مایه‌های اصلی محسوب می‌شوند. مبنی بر این توضیحات، وجود روایات حماسی نمی‌تواند به تنایی دلیلی بر حماسی بودن این اثر باشد؛ ضمن اینکه همه منظومه‌های فارغ‌گیلانی درباره جنگ‌های حضرت علی<sup>(۴)</sup> نیست.

## ۲-۵. قالب و ساختار منظومهٔ فارغ‌گیلانی

قالب منظومهٔ فارغ‌گیلانی در قالب مثنوی است که در عصر صفوی برای ولایت‌نامه به کار می‌رفته است. عمدۀ تمایز ولایت‌نامه‌ها در عصر صفوی با نمونه‌های پیش از آن، در «قالب» است. ولایت‌نامه‌ها قبل از عصر صفوی بیشتر در قالب «قصیده» سروده شده، درحالی‌که در عصر صفوی بیشتر در قالب «مثنوی» هستند؛ اما نکته‌ای که در منظومهٔ فارغ‌گیلانی تأمل برانگیز بوده، وزن آن است که برخلاف منظومه‌های حماسی که در بحر «متقارب» سروده می‌شوند، این اثر در بحر «خفیف» است و از این نظر با منظومه‌های حماسی فرق دارد. در مورد ساختار نیز می‌توان این اثر را با منظومه‌های حماسی مقایسه کرد. در این منظومه‌ها، شعر با زمینه‌سازی برای روایت و داستان آغاز می‌شود، با داستان ادامه پیدا می‌کند و با پایان داستان منظومه، کار

شاعر به اتمام می‌رسد؛ اما در اثر فارغ‌گیلانی این‌گونه نیست و اشعار او با مدح آغاز می‌شود و با دعا و توسل به پایان می‌رسد. برای فهم ساختار شعر فارغ‌گیلانی باید با ساختار ولایت‌نامه‌های پیش از عصر صفویه آشنا شویم.

همان‌طور که بیان شد، ولایت‌نامه‌های قبل از عصر صفوی، در قالب قصیده و به شیوه قصاید مذهبی دارای تغزل، تخلص، تنہ اصلی و شریطه بود. البته برخی از شعرا بدون ذکر تغزل و تشیب به قصاید وارد می‌شدند. (کرمی، بیگدلی، ۲۴۰: ۱۳۹۸-۲۱۵) در عصر صفوی قالب ولایت‌نامه تغییر کرد؛ اما نکته جالب توجه در ساختار ولایت‌نامه‌های فارغ‌گیلانی این است که شاعر بدون توجه به تغییر نوع قالب، اشعارش را چون ولایت‌نامه‌های پیش از عصر صفوی با حمد و ستایش خداوند، نعت نبی مکرم اسلام<sup>(ص)</sup> و منقبت حضرت علی<sup>(ع)</sup> آغاز می‌کند و سپس وارد بخش داستانی ولایت‌نامه می‌شود:

الله الحمد قادر متعال  
فی جمیع الامور والاحوال  
آن که جانم ز مهر داد جلی  
به فروغ رخ نبی و ولی  
گشت از مهر آن دو ماہ دوشاه  
سوی خود رهنمای هر گمراه  
لیک هر کس نیافت آن دولت  
که فروغی برد از آن طلعت  
ما چه سان شکر این به جا آریم  
که از آن نور فیض‌ها داریم

ای که از شیعیان ایشانی

پیرو راه دین و ایمانی،

بشنواین داستان که شادش روی

تازه ایمان و اعتقادش روی

(فارغ گیلانی، ۱۳۹۱: ۹۶-۹۵)

فارغ گیلانی پایان اشعار خود را همانند قصاید مذهبی، با دعا و توسل به پیشگاه  
حضرت علی<sup>(ع)</sup> به اتمام می‌رساند:

یا علی در چه غم مگذار

دست من گیر از چهم به در آر

(فارغ گیلانی، ۱۳۹۴: ۹۵)

یا علی من غلام اشیاعت

سر من خاک پای اشیایت

فارغ دل شکسته را دریاب

جان به مهر تو بسته را دریاب

(همان: ۱۰۳)

فارغ گیلانی بیشتر به شیوه مناقبیان و مجالس‌های تعزیه، ولایت‌نامه خویش را با ایاتی  
به پایان می‌برد که حضور مخاطب عامه در حین منقبت خوانی محسوس است. پایان  
ولایت‌نامه‌ها سندي موافق بر حضور مردم در حلقة مناقبیان یا مجالس آن‌هاست.

هر که یک گوهر مدیح تو سفت

وانکه یک حرف گفت وانکه یک بشنفت،

جملگی راز لطف خوش‌دل کن

یک به یک را مراد حاصل کن

(همان: ۳۸۱)

هرکه یک بیت مدح او شنود

از جمیع گناه پاک شود

(همان: ۳۶۶)

بنا بر آنچه در این بخش بیان شد، اثر فارغ‌گیلانی از حیث ساختار به گونه ولایت‌نامه‌های قبل از عصر صفویه نزدیک است.

#### ۱-۲-۵. درج عنوان ولایت‌نامه در منظومه فارغ‌گیلانی

فارغ‌گیلانی مجموعه‌ای از ولایت‌نامه‌ها را در قالب داستان به رشتۀ نظم کشیده و برای هر داستان عنوانی مجرزا در نظر گرفته است. داستان‌ها در این منظومه پیوستگی و واپستگی ندارند و هر کدام را خارج از منظومه می‌توان بررسی کرد و هر داستان خود را دارند؛ یعنی هر داستان با یک عنوان هویت مشخصی دارد و از نظر ادبی، فکری و زبانی قابل بررسی است. بررسی عناوین سروده‌ها و نیز عنوانی که به کل اثر او داده‌اند نیز می‌تواند در این پژوهش یاری‌کننده باشد.

#### ۵-۱-۲-۵. عنوان اثر فارغ‌گیلانی

منظومه فارغ‌گیلانی را با نام‌ها و عناوین متنوعی نظیر «فارغ‌نامه»، «ولایت‌نامه»، «جنگ‌نامه»، «دیوان ملا فارغ‌گیلانی» و «کتاب ملا فارغ» می‌شناسند. در ابتدا به نظر می‌رسد وی صاحب آثار متعددی بوده که هر کدام از این نام‌ها مربوط به اثری از آثار اوست؛ اما یافته‌های نشان از آن دارد که تمام این نام‌ها مربوط به یک اثر ادبی از فارغ

گیلانی بوده که آن هم درباره کرامات و معجزات حضرت علی<sup>(۴)</sup> است. حال سؤالی به ذهن پژوهشگر متبادر می‌شود که نام اصلی این اثر فارغ چیست؟ چگونه امکان دارد که تک تک داستان‌ها در ساختاری مشخص سروده شده و نام و هویت مستقل داشته باشند؛ ولی کل اثر نامی مشخص نداشته باشد؟

برای پاسخ به این سؤال، نسخ خطی باقی مانده از اثر بررسی شد.

«در فهرست‌های مختلف نسخ خطی و چاپ سنگی، نسخ متعددی با محتوای مشابه معرفی شده است که عنوان "فارغ نامه"، "دیوان فارغ گیلانی" و "ولايت نامه" دارند. تنها در فنخا ۷۵ نسخه از این اثر وجود دارد که عموماً خلاصه یا بخشی از این اثر هستند و کمتر نسخه کاملی از آن را می‌توان یافت. حتی اوضاع در چاپ سنگی این منظومه هم به همین منوال است و آشفتگی‌های بسیاری در آن به چشم می‌خورد» (ر.ک. رضایی، ۱۳۹۴: ۱۷۶).

همین افتادگی ابتدای نسخ خطی و مخدوش بودن آن، یکی از مهم‌ترین علل مشخص نبودن نام و عنوان کتاب است. سرانجام نسخه‌ای خطی از فارغ گیلانی به شماره ثبتی ۱۲۵ در کتابخانه ملامحسن فیض کاشانی ما را به نشانه‌ای از نام منظومه رهنمون کرد و در تشخیص نوع ادبی اثر به یاری مآمد. کاتب در صفحه پایانی این نسخه که ۵۲۸۰ بیت دارد، چنین نوشته است:

«و به اكمال انجامید اين رساله مباركه ولايت نامه حضرت شاه اوليا ابن عم، مصطفى زوج فاطمه زهرا - عليه التحيه والثنا على مرتضى عليه الصلوة والسلام تمت الكتاب بعون الملك الوهاب [...] بالفقير الحقير الضعيف المذنب الخاطئ محمد تقى ابن المرحوم المغفور حاجى محمد لامع عفى عنهما به تاريخ يوم شهر ربیع الاول في سنة ۱۱۵۴» (بلندی، ۱۳۹۴: ۶۱).

از نکات قابل تأمل در کتابت این نسخه همین بس که کاتب این اثر را «ولایت‌نامه» دانسته است.

### ۵-۳-۲. عنوان سروده‌های فارغ‌گیلانی

در بررسی «ولایت‌نامه»‌های قبل از عصر صفوی، می‌بینیم که عنوان در ابتدای اشعار درج می‌شود و شاعر در ابتدای شعر، اشاره می‌کند که مشغول سرایش ولایت‌نامه است. معمولاً ولایت‌نامه‌های فارغ‌گیلانی نیز به شیوهٔ ولایت‌نامه‌های این دوره پیش رفته است:

نظم کن از ولایت مولا

تا بود یادگار ما و شما

(فارغ‌گیلانی، ۱۳۹۱: ۳۴۵)

سخنی از ولایت مولا

گوش کن تا رسی به دین هدی

(همان: ۱۳۷)

البته در مجموعه اشعار او ولایت‌نامه‌هایی هم دیده می‌شود که شاعر نه در عنوان و نه در سروده به ولایت‌نامه سرایی خویش اشاره نمی‌کند؛ ولی از درون مایه و ساختار می‌توان به نوع ادبی ولایت‌نامه پی برد. برای نمونه، در ولایت‌نامه دریدن از هدا در مهد توسط حضرت علی<sup>(۴)</sup>، ساختاری شبیه به ولایت‌نامه دارد و درون مایه آن بیان کرامت آن حضرت است (فارغ‌گیلانی، ۱۳۹۱: ۸۷).

فارغ در اثنای سرایش شعرگاه از ولایات تعبیری با عنوان «معجزه» دارد. برای نمونه فارغ‌گیلانی ذیل داستان «باز در مهد بسته حضرت شاه/ برکشیدن زلطف طفل از

چاه» از کرامت حضرت با عنوان معجزه یاد می‌کند.

### گوش کن ای محبت شاه نجف

#### معجز شاه بارگاه شرف

(همان: ۹۳)

معجزنامه نام دیگری است که می‌توان بر ولایت‌نامه‌ها گذاشت. در فرهنگ اسلام اصطلاح معجزه فقط برای پیامبران و حضرت رسول<sup>(ص)</sup> به کار می‌رود و استفاده آن برای حضرت علی<sup>(ع)</sup> صحیح به نظر نمی‌آید؛ اما مناقب خوانان واژه معجزه را برای حضرت علی<sup>(ع)</sup> نیز به کار برده‌اند. به نظر می‌آید کاربرد واژه معجزه برای کرامات آن حضرت به‌گونه‌ای به اندیشه‌های غالیانه شیعیان اشاره دارد.

البته تعبیر دیگری نظیر «کرامت» یا «فضیلت» هم برای ولایت‌نامه‌های فارغ گیلانی و قبل از عصر صفوی دیده می‌شود.

### حرب شه شمس مغرب و اژدر

#### از کرامات حیدر صقدر

(همان: ۴۱)

### گرچه فضلش ز حصر بیرون است

بشنو این نکته را که موزون است

(همان: ۲۷۶)

یا در داستان فتح خیبر، بلندکردن در خیبر را نشان از قدرت ولایت او دانسته است:

که به زور ولایتی که تو راست

قدرت بی‌نهایتی که تو راست

(فارغ گیلانی، ۱۳۹۴: ۳۴۲)

یکی دیگر از شباهت‌های سرودهٔ فارغ‌گیلانی با ولايت‌نامه‌های قبل از عصر صفوی، عنوان‌های مبسوط یا گزاره‌ای است. شعرا- یا مناقب خوانان - عنوان‌هایی گزاره‌ای یا مبسوط برای ولايت‌نامه‌های خود برمی‌گزیدند؛ مانند: «ولايت‌نامه اسود و دست بریدن او» (جنگ ۱۳۶۰۹، برگ ۲۸۳) و «ولايت نمودن سلطان ولايت‌پناه و کرم آبی و دختر» (ابن حسام خوسفی، ۱۳۶۶: ۱۸۴). داشتن چنین عنوان‌هایی در ابتدای ولايت‌نامه‌ها می‌تواند کارکردهای مثبتی داشته باشد. از جمله اینکه ذهن مخاطب را به داستان متمرکز می‌کند و خلاصه‌ای طرح‌واره از داستان ولايت‌نامه را در ابتدا برای مخاطب مجسم می‌سازد. این‌گونه عنوان‌های مبسوط در آثار تعلیمی ایران نظریه مثنوی معنوی هم دیده می‌شود. سمیرا بامشکی در کتاب روایتشناسی داستاهای مثنوی این عنوان‌ها را در هشت شکل، معرفی و بررسی کرده است (بامشکی، ۱۳۹۳: ۴۸۶). نوع ادبی ولايت‌نامه در مقایسه با اشکال احصا شده در مثنوی معنوی فقط در دو شکل یعنی در نوع «آوردن درون‌مایه داستان در عنوان» و «آوردن خلاصه داستان در عنوان» مشابهت دارد. در ولايت‌نامه‌های فارغ‌گیلانی نیز درون‌مایه یا موضوع داستان در آغاز سروده‌ها دیده می‌شود؛ اما با ولايت‌نامه‌های قبل از عصر صفوی یک تفاوت اصلی دارد. در ولايت‌نامه‌های قبل از عصر صفوی درون‌مایه یا موضوع داستان در قالب نثر در ابتدای ولايت‌نامه‌ها ذکر می‌شدند؛ ولی در ولايت‌نامه‌های فارغ‌این درون‌مایه یا موضوع به صورت تک‌بیت در ابتدای ولايت‌نامه می‌آید:

قصهٔ مرغ و شهر جابلسا

از ولايت‌حضرت مولا

(فارغ‌گیلانی، ۱۳۹۴: ۱۹۷)

شمۀ‌ای از ولايت حيدر

كه پس کوه قاف دید عمر

(همان: ۲۹۹)

### ۳-۵. روایت‌های منظوم فارغ‌گیلانی

فارغ‌گیلانی در بخش اصلی منظومه خود، داستان‌ها و روایاتی را با هدف جلب توجه و اقناع مخاطب و تأثیرگذاری بر او به نظم می‌کشد. شاعر می‌خواهد با گذر از داستان، مخاطب را با فرهنگ تشیع آشنا سازد و جایگاه ویژه اهل‌بیت<sup>(۴)</sup> را به تصویر کشد. برخی از روایاتی که فارغ‌گیلانی به نظم کشیده است با ولایت‌نامه‌های عصر صفوی اشتراک مضمونی و محتوایی دارد و از این‌رو، فرضیه ولایت‌نامه‌بودن این اثر را تأیید می‌کند. در این بخش به تعدادی از این مشترکات اشاره می‌شود.

۱. قصه شاه مردان امیر شیرافکن/ یازده ساله جبله را کشتن (فارغ‌گیلانی، ۱۳۹۴: ۱۱۴). شاعر در بیت ششم اشاره دارد که این داستان «ولایت» است و اشتراک معنایی دارد با داستان مناقب مرتضی علی کرم الله وجه جنگ جبله زنگی از خواجه ثنایی (علی بن احمد، ۱۳۹۸: ۱۳۲).

۲. قصه بستن دست دیو را حیدر/ برگشادن ز لطف بار دگر (فارغ‌گیلانی، ۱۳۹۴: ۹۵) با ولایت‌نامه شصت بستن دیو از شیخ انوری (علی بن احمد، ۱۳۹۸: ۱۳۹) و نیز ولایت‌نامه امیرالمؤمنین گفتار درویش اقطع، شباهت محتوایی دارد (همان، ۴۳۰).

۳. قصه فتح قلعه ببر/ بستن رود و کشتن اژدر (فارغ‌گیلانی، ۱۳۹۴: ۱۶۵) با ولایت‌نامه امیرالمؤمنین از ملاسلیمی اشتراکات محتوایی دارد (علی بن احمد، ۱۳۹۸: ۱۵۲).

۴. قصه دادن شه به سائل درویش/ در رکوع نماز خاتم خویش (فارغ‌گیلانی، ۱۳۹۴: ۱۸۸) با ولایت‌نامه امیرالمؤمنین از گفتار سید علی (علی بن احمد، ۱۳۹۸: ۲۰۹) و ولایت‌نامه مسلمان شدن افعض خباز از حسام اشتراک محتوایی دارد. (همان: ۴۵۳)

یکی از ویژگی‌های ولایت‌نامه که از قضا در حمامه نیز مشاهده می‌شود، عدم دخالت شاعر در جریان روایت از یک سو و تعهد شاعر برای ذکر راوی موثق برای

داستان از سوی دیگر است. شاید اهداف و اغراض یک شاعر حماسه‌سرای ملی با اهداف مناقبیان در ذکر راوی داستان یکسان نباشد.

مخاطب ولایت‌نامه در عصر صفوی شیعیان هستند و شاعر به منظور کسب اعتماد مستمع، روایت خود را به روات موثق نسبت می‌دهد تا کرامات و معجزات مندرج در روایت را باورپذیر کند. انتخاب راوی در درون داستان از میان شخصیت‌های مطمئن و موجه از نگاه یک فرد شیعی است. برای مثال در ولایت‌نامه‌ها مناقب خوان می‌گوید این داستان را از امام صادق<sup>(۴)</sup> یا جابر انصاری یا سلمان و... شنیدم؛ بنابراین شاعر دخالتی در داستان ندارد. راویانی که فارغ‌گیلانی از قول آن‌ها روایت را نقل می‌کند، گویا ماده‌دان هم عصر وی بودند که از او می‌خواستند این داستان‌ها و روایات را به نظم بکشد. برخلاف ولایت‌نامه‌های دیگر که راویان آن‌ها امامان یا صحابه رسول بودند، راویانی که فارغ از آن‌های نام می‌برد، برای ما ناشناخته هستند. برای مثال او از کسانی چون حضرت سلمان، روح‌الله، محمد مداح، آقا کیا، عبدالرزاق بن ابراهیم و... نام می‌برد که بی‌شك برای مخاطبان آن زمان شناخته شده بودند.

راوی این حدیث روح‌الله

بنده بندگان حضرت شاه

(فارغ‌گیلانی، ۱۳۹۱: ۱۲۴)

راوی این حکایت زیبا

خواجه پاک‌دین کیا آقا

(همان: ۴۰۵)

در عین حال در میان ولایت‌نامه‌های فارغ‌گیلانی، ولایت‌نامه‌هایی دیده می‌شود که فاقد سند معتبر است. برای نمونه در داستان «قبرشہ یافتن خدابنده/ بشنو تا

دلت شود زنده» شاعر به دلیل شهرت این داستان در میان مردم، نیازی به نقل منبع روایت و راوی نمی‌بیند:

گرچه بود آن سخن مشهور

بود اما لآلی منتشر

(همان: ۲۸۳)

نقل روایات متعدد از یک حکایت نشان می‌دهد که همزمان چندین روایت از واقعه‌ای وجود داشته است و شاعر به این تنوع توجه دارد. برای نمونه در «ولایت‌نامه جنگ مولا و عنتر عیسی» شاعر در توصیف رزم حضرت با عنتر سخن می‌گوید و در اثنای کلام اشاره می‌کند که روایتی دیگر از نوع مبارزه را شنیده است:

خوانده‌ام در روایت دیگر

که چنان بر زمین زدش حیدر

(همان: ۱۶۴)

#### ۴-۵. درون‌مایه‌های روایات فارغ‌گیلانی

توجه به درون‌مایه روایات و داستان‌هایی که فارغ‌گیلانی به نظم درآورده است، به ویژه آن بخش که به کرامات و معجزات مربوط می‌شود، نوعی شباهت با درون‌مایه روایات حمامی است که در آن اموری خارق‌العاده و فوق بشری رخ می‌دهد. همین شباهت است که ولایت‌نامه‌های فارغ‌گیلانی را به حمامه نزدیک می‌کند. در این بخش به چند نمونه اشاره می‌شود:

#### ۴-۵. مبارزة حضرت علی<sup>(۴)</sup> با حیوانات و موجودات اهریمنی

برخی از ولایت‌نامه‌های فارغ‌گیلانی بر محوریت مبارزة حضرت علی<sup>(۴)</sup> با اژدها، مارها،

عفایت‌ها، شیران، شیاطین یا موجوداتی عجیب است. هدف شاعر از طرح چنین ولایت‌نامه‌هایی اشاره به شجاعت حضرت است.

جنگ بنمودن شه یثرب

با دد و دیو در مغرب

(همان: ۴۱۱)

### جنگ شیر خداست با شیران

هم به ساروق دیو و با دیوان

(فارغ‌گیلانی، ۱۳۹۴: ۴۲۵)

### ۲-۴-۵. سخن‌گفتن با حیوانات، جمادات، گیاهان و مردگان

در نوع ادبی ولایت‌نامه، حضرت علی<sup>(ع)</sup> قدرت سخن‌گویی با حیوانات، سنگ، خورشید و... را دارند. از جمله در ولایت‌نامه «قصه شاه دین واژدها» در منظومه فارغ‌گیلانی، حضرت با اژدها سخن می‌گوید یا در «قصه نوح و یونس و ماهی» حضرت نامه‌ای به دوشیر می‌نویسند و آن دوشیر با دیدن نامه حضرت علی<sup>(ع)</sup> در دستان قنبر، از ایشان اطاعت می‌کنند و تسلیم فرمان حضرت می‌شوند. در ولایت‌نامه‌ها به نوعی حیوانات از ایشان فرمان بری دارند:

نامه شیر حق چو کرد عیان

در دم آن هر دو شیر گشت نهان

(همان: ۴۱۱)

یا در داستان «کشن و زنده کردن ادهم/ از ولایات شاه جمله امم» حضرت علی<sup>(ع)</sup> برای قضاؤت درباره ماجرایی، با سراده مرد سخن می‌گویند:

سر ادهم گرفت از سر دار

کرد حاضر به مجلس آن سردار

### پس بدو گفت که ای سرادهم

بگشالب چوبسته ای بر هم

(همان: ۲۵۵)

### ۳-۴-۵. شفای بیمار

یکی دیگر از کرامات منسوب به حضرت علی<sup>(ع)</sup>، شفای بیمار است. این نوع از کرامت ایشان، در ولایت نامه برجسته است. در این نوع ادبی، حضرت همچون طبیبی روحانی و با دمی مسیحایی بیماران را شفا می‌دهد. برای نمونه در ولایت نامه «چشم کندن دختر و با ضیاشدن از دم حیدر» در منظومه فانغ گیلانی، حضرت چشم کنده دختر مؤمن را شفا می‌دهد.

دم جان بخش خود بدو چو دمید

در دم آن دیده‌ها نکو گردید

(همان: ۲۱۶)

### ۴-۴-۵. زنده کردن مردگان

یکی دیگر از کرامات منسوب به حضرت علی<sup>(ع)</sup>، زنده کردن مردگان است که در ولایت نامه‌ها جای تأمل دارد. این کرامت در داستان «علی اسود» به تصویر کشیده می‌شود:

شاه مردان و مرکز ایمان

گفت با آن دو سه تن بی جان

که به امر خدای برخیزید

باده در جام مدعای ریزید

(همان: ۲۳۳)

در دم شش تن از دم حیدر

زنده گشتند پیش پیغمبر

#### ۵-۴-۵. طئ‌الارض یا درهم‌کشیده‌شدن مکان

یکی دیگر از کرامات منسوب به حضرت علی<sup>(۴)</sup> طئ‌الارض یا درهم‌کشیده شدن مکان است. به طور معمول این نوع کرامت در ولایت‌نامه‌هایی دیده می‌شود که حضرت علی<sup>(۴)</sup> برای گره‌گشایی در موضوعات مختلف، مجبور می‌شدند شهر خود را ترک کنند و به آن مکان بروند. برای نمونه، در ولایت‌نامه «فتح قلعه ببر» حضرت علی<sup>(۴)</sup> با همراهی سائلی برای رفع مشکل آن منطقه، به شهری در دوردست می‌روند.

دست سائل گرفت و بیرون برد

از ره لطف سوی هامون برد

به گدا گفت آن شه والا

چشم ب THEM نه و دگر بگشا

گفت شاهها بگو چه شهر است این

گوییا باشد این بهشت برين

(همان: ۱۶۷)

#### ۶-۴-۵. آگاهی و علم غیبی حضرت علی<sup>(۴)</sup>

یکی دیگر از کرامات منسوب به حضرت علی<sup>(۴)</sup>، آگاهی و علم غیبی ایشان است. این نوع کرامت به اولیا و صوفیه نیز منسوب است. برای نمونه، در ولایت‌نامه «جنگ مولا و عنتر عیسی» حضرت از لشکرکشی فرد ستم‌کار حبسی با سپاه به مکه خبر می‌دهد:

حضرت شاه اولیا حیدر

گفت: ای بهترین جن و بشر،

تا به ده روز صبر می‌باید

زان که عنتر به مکه می‌آید

(همان: ۱۵۸)

یکی از ویرگی‌هایی که در تکریم و تعظیم علی<sup>(۴)</sup> در شعر شیعی از جمله در ولایت نامه‌ها دیده می‌شود، تحقیر عناصر اسطوره‌ای و تاریخی در برابر مقام و شأن آن حضرت است. این مقایسه گاه مقام و شأن انبیاً الهی را نیز در برمی‌گیرد. در حقیقت، شاعر می‌خواهد قهرمان ملی و تاریخی را در مقایسه با قهرمان مذهبی کوچک جلوه دهد. برای مثال، حاتم طایی و رستم دستان را بندۀ آن حضرت می‌خواند. این نوع از نگاه در منظمه فارغ‌گیلانی هم برجسته است:

گر شود زنده حاتم طایی

خط دهد مر تورا به بالای،

ور شود زنده رستم دستان

می‌شود بندۀ تو از دل و جان

(همان: ۱۸۱)

شاعران شیعی از جمله فارغ‌گیلانی، در این راستا خود را نیز در مقابل بزرگی آن حضرت خاشع و ذلیل می‌دیدند و در ابیات متعددی خود را سگ آستان حضرت علی<sup>(۴)</sup> برمی‌شمردند. شاید این نکته از تأثیرات عصر صفوی بر مناقبیان باشد؛ زیرا شاه عباس صفوی خود را کلب آستان علی<sup>(۴)</sup> می‌دانسته است.

يا علی من هم از سگان تؤام

از مقیمان آستان تؤام

(همان: ۱۸۴)

## هستم از فیض وفضل حضرت شاه

### از سگان درش بحمدالله

(همان: ۱۶۶)

بررسی درون‌مایه روایاتی که فارغ‌گیلانی سروده، نشان می‌دهد که پاره‌ای از آن‌ها خارج از موضوع حماسه و جنگ و نبرد است و شاعر تلاش کرده که در سروده خویش، به اشراف علمی و توان روحی و کرامات خاص آن حضرت پیردازد و او را در مقایسه با شخصیت‌های تاریخی، علمی و حتی دینی ممتاز گرداند.

## ۶. نتیجه‌گیری

طبقه‌بندی اشعار شیعی به انواع ادبی، به تحلیل متون و فهمی دیگرگون از تاریخ، سیاست و اجتماع عصری که اثری در آن تولید شده، کمک می‌کند. شعر شیعی در طول تاریخ در انواع متنوع ادبی به حیات خود ادامه داده است. یکی از این انواع در حوزهٔ شعر شیعی، ولایت‌نامه است. این نوع ادبی مربوط به بیان معجزات و کرامات حضرت علی<sup>(۴)</sup> در قالب داستان بوده که گاه با تخیل و افسانه پیوند خورده است. در این مقاله نشان داده شد که نوع ادبی منظومه فارغ‌گیلانی - از شعراًی شیعی عصر صفوی - ولایت‌نامه است که از نظر ساختاری و محتوای با ولایت‌نامه‌های قبل از عصر صفوی شباهت دارد. برخلاف نظر پژوهشگران، این منظومه به دلایل ذیل در زمرة ادبیات حماسی قرار نمی‌گیرد: ۱. بحری که اثر در آن سروده شده است، بحر خفیف بوده که بحر منظومه‌های روایی است. ۲. در این اثر هیچ پیوستگی بین داستان‌ها وجود ندارد و گاهی از یک حکایت چندین روایت نقل شده است. ۳. برخی از حکایات دربارهٔ علم یا قضاؤت یا مرام‌های اخلاقی حضرت علی<sup>(۴)</sup> است و در زمرة ادب حماسی نیست. ۴. عمدۀ منابع فارغ‌گیلانی در این اثر، مبتنی بر روایات شفاهی مناقبیان

عصر صفوی است و این حماسی بودن اثر را کمنگ می‌کند؛ همچنین این پژوهش نشان داد که این منظومه به دلایل ذیل، ادامهٔ ولایت‌نامه‌سرایی در عصر صفوی است:

۱. شاعران ولایت‌نامه‌سرا مناقبی بودند و فارغ‌گیلانی نیز مبتنی بر اشعارش، یک مذاخ و مناقب خوان بوده است.
۲. ولایت‌نامه‌ها در ساختاری مشخص سروده شده‌اند: ۱. ابتدا حمد و ثنای خداوند و نعمت نبی مکرم؛ ۲. بخش داستانی؛ ۳. بخش پایانی و دعا و توصل به پیشگاه اهل‌بیت<sup>(۴)</sup>.
۴. این ساختار در منظومهٔ فارغ‌گیلانی، البته با توجه به تغییر قالب از «قصیده» به «مثنوی»، مشهود است.
۵. شاخصهٔ ولایت‌نامه‌های قبل از عصر صفوی، درج عنوان ولایت‌نامه برای هر شعر و اشارهٔ شاعر در ابتداء و گاه اثنای شعر به ولایت‌نامه‌سرایی است که در ولایت‌نامه‌های فارغ‌گیلانی نیز دیده می‌شود.
۶. درون مایهٔ ولایت‌نامه‌های قبل از عصر صفوی، مبتنی بر علم و آگاهی، قضاوت و مدیریت، جنگاوری و شجاعت و مشکل‌گشایی حضرت در امور مختلف بوده که این امور، در منظومهٔ فارغ‌گیلانی مشهود است.
۷. محتوای ولایت‌نامه‌های قبل از عصر صفوی، بیان کرامات و معجزات حضرت علی<sup>(۵)</sup> در قالب جنگ با دیوان و ددان، طی‌الارض، شفای بیمار، حل مشکلات ملل مختلف، سخن‌گفتن با مرده، مرده زنده کردن و... است که این مهم در منظومهٔ فارغ‌گیلانی وجود دارد. این مقاله، بررسی نوع ادبی منظومهٔ فارغ‌گیلانی را تنها به عنوان یک الگو در فرآیند تشخیص گونه ادبی شعر شیعی ارائه کرد تا نشان دهد برای تشخیص نوع ادبی هر اثر، لحاظ کردن هم‌زمان ساختار و محتوای آن، متمایز کردن گونه ادبی و وجه ادبی آن، توجه داشتن به تحولات و دگرگویی ژانرهای ادبی در طول زمان و نیز آشنایی با گونه‌های ادبی خاص در ادبیات تشیع، لازم و ضروری است.

## منابع

۱. احمدی، بابک (۱۳۷۰). ساختار و تأویل متن. ج ۱. تهران: مرکز.
۲. ابن حسام خوسفی، محمد بن حسام الدین (۱۳۶۶). دیوان محمد بن حسام خوسفی. به اهتمام احمد احمدی بیرجندی و محمد تقی سالک. مشهد: اداره کل حج و اوقاف و امور خیریه استان خراسان.
۳. بامشکی، سمیرا (۱۳۹۳). روایت‌شناسی داستان‌های مثنوی. تهران: هرمس.
۴. بلندی، زهرا (۱۳۹۱). مقدمه، تصحیح و تعلیق فارغ‌نامه. رساله کارشناسی ارشد. کاشان: دانشگاه کاشان.
۵. جنگ اشعار از شعرای گمنام [بی‌تا]. نسخه خطی موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی. ش ۱۳۶۰۹.
۶. رضایی، امیرحسین (۱۳۹۶). بررسی مهم‌ترین حماسه‌های علوی پیش از قاجار. رساله کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه تهران.
۷. علی بن احمد (۱۳۹۸). جنگ اشعار شیعی. به تصحیح زهرا پارساپور و اکرم کرمی. تهران: نشر کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۸. قاسمی‌پور، قدرت (۱۳۸۹). «وجه در برابر گونه: بحثی در قلمرو نظریه اندیشه ادبی». مجله نقد ادبی. س ۳. تابستان. ش ۱۰. صص ۶۳-۹۰.
۹. ——— (۱۳۹۱). «درآمدی بر نظریه گونه‌های ادبی». مجله ادب پژوهی. بهار. ش ۱۹. صص ۲۹-۵۶.
۱۰. کافی خوانساری، سید علی (۱۳۸۱). حیدرنامه. تهران: موعود.

۱۱. کرمی، اکرم و سعیدبزرگ بیگدلی (۱۳۹۸). «ولایت‌نامه نوع ادبی عامیانه در حوزهٔ شعر شیعی». *فرهنگ و ادبیات عامه*، ش ۲۷. صص ۲۱۵-۲۳۹.
۱۲. منزوی، احمد [بی‌تا]. *فهرست نسخه‌های خطی فارسی*. ج ۴. تهران: موسسهٔ فرهنگی منطقه‌ای تهران.
۱۳. مرادی رستا، ابوالفضل و علی محمد مؤذنی و معصومه بهبودی (۱۴۰۱). «نوآوری‌های سبکی فارغ‌گیلانی و ویژگی‌های شعری او در فارغ‌نامه». *مجلهٔ سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)*. اردیبهشت. ش ۷۲. د ۱۵. صص ۲۲۵-۲۲۴.